

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاښد تن من مېباد بدین بوم ویر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختارزاده
شهر اسن - المان
۸ نومبر ۲۰۰۸

الیه شعر

سرود عاشقی لعلِ مَذاب را ماند
صفای طفلکِ نورفته خواب را ماند
به بحرِ معنی و تفسیر ، غوطه ور گشتم
که دامنِ ، پُری از دُرّ ناب را ماند
چه سان اصول و فروغش توان بیان کردن
که فهم ما چو خسی روی آب را ماند
ز حرف و واژه و سطرش بهار میبارد
که سبزه زارِ دل ، اُم الکتاب را ماند
خوشا به آنکه دهد ، امتحانِ مکتبِ عشق
سبقِ نخوانده ، ولی کامیاب را ماند
کشیده ام ز تو تصویری در خیالاتم
رخي که نرمیِ برگِ گلاب را ماند
خراب و بیخود و مدهوشم از حلاوتِ آن
لبي که مستیِ جامِ شراب را ماند
حیایِ نرگسِ مستِ خمارِ آلودت
طلسم و جادوی عالمِ خراب را ماند
ملیحِ نرمی و گرمیِ لحنِ با نمکت
دلیل و حُجّت و ، فصل الخطاب را ماند
ز لایِ گیسویِ شبرنگ ، قرصِ چهره تو
به آسمانِ وفا ، ماهتاب را ماند

حریرِ پیکرِ اندامت ، ای الاله شعر
میانِ برگِ گلاب ، آفتاب را ماند
خیالِ بوسه شود آب ، در دهان هوس
زبانِ شوقِ چشک ، در حجاب را ماند
صریرِ خامه «نعمت» ز شهرِ خاطره ها
به مُلک و قاره دل ، انقلاب را ماند